

باسمه تعالی

۱. جواب ششم: ترخیص در مخالفت.....
۱. مقدمه اول: حقیقت تکلیف واقعی.....
۲. مقدمه دوم: موارد وجود حکم ظاهری.....
۲. مقدمه سوم: حقیقت حکم ظاهری.....
۳. جمع بندی: عدم تنافی بین حکم واقعی و ظاهری.....

موضوع: حجج و امارات / ظن / جمع بین حکم ظاهری و واقعی**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسات قبل پنج جواب از اشکال تنافی بین حکم واقعی و ظاهری بیان شده، و مورد نقد قرار گرفت. در این جلسه جواب ششم و نظر مختار در جمع بین حکم واقعی و ظاهری بیان می شود.

جواب ششم: ترخیص در مخالفت

پنج جواب به اشکال جمع بین حکم واقعی و ظاهری داده شد، که مورد نقد واقع شد. برای بیان جواب ششم نیاز است ابتدا سه مقدمه بیان شود:

مقدمه اول: حقیقت تکلیف واقعی

«حکم» در علم اصول به سه معنی به کار می رود: تشریح یا عملیة الجعل؛ و جعل یا حکم کلی؛ و مجعول یا حکم فعلی یا حکم جزئی؛ مراد از تکلیف واقعی در این بحث، مجعول یا تکلیف فعلی یا تکلیف جزئی مانند حرمت این عمل بر زید، یا وجوب این عمل بر زید می باشد؛ زیرا جعل و تشریح اثری ندارد، و تمام اثر برای تکلیف جزئی است.

تکلیف جزئی نظیر اینکه اگر زید مستطیع شود تکلیف به حج دارد؛ و یا بعد اذان ظهر، زید تکلیف فعلی نسبت به نماز ظهر پیدا می کند؛ و یا اگر آب طاهری نجس شود، حرمت فعلی شرب آن پیدا می شود. در نظر مختار حقیقت تکلیف فعلی جزئی، طلب انشائی است. اگر شارع اتیان یک فعل را طلب نماید، وجوب فعلی؛ و اگر ترک یک فعل را طلب نماید، حرمت فعلی محقق می شود.

طلب «السعی نحو المقصود» است، که مثلاً راه رفتن برای آب آوردن، «طلب تکوینی» است؛ و دستور به فرزند برای آب آوردن، «طلب تشریحی» است. در هر دو مورد، سعی نحو مقصود شده است. در طلب انشائی حب و بغض هیچ نقشی ندارد،

یعنی حبّ و بغض مولى در دائره طلب نیست. پس اگر مولى طلب نماید، باید اطاعت شود (هرچند مولى حبّ و بغض نداشته باشد، کما اینکه حکماء در مورد خداوند متعال فرموده‌اند حبّ و بغض بی معنی است. شاید نظر فقهاء نیز همین باشد). بنابراین اگر طلب انشائی به فعل تعلق گیرد، وجوب فعلی؛ و اگر به ترک تعلق گیرد، حرمت فعلی محقق می‌شود. حقّ الطاعه نیز دائره مدار طلب (نه حبّ و بغض مولى) می‌باشد. به عنوان مثال تا اذن ظهر شود، طلب انشائی نسبت به نماز ظهر خواندن زید محقق می‌شود.

مقدمه دوم: موارد وجود حکم ظاهری

فقهاء در مواردی خاصّ قائل به وجود حکم ظاهری هستند. حکم ظاهری در جایی است که سه قید وجود داشته باشد: الف. حکم تکلیفی: احکام الهی دو قسم تکلیفی و وضعی دارند. حکم وضعی مانند ولایت و نجاست و حجیت و مانند آنها؛ و حکم تکلیف نیز فقط وجوب و حرمت است. حکم ظاهری در احکام وضعیه جعل نمی‌شود، بلکه در احکام تکلیفیه جعل می‌شود. به عنوان مثال اگر بینه دلالت بر نجاست آبی نماید که ریخته شده، این بینه حجّت نیست؛ زیرا موضوع شرب یا وضوء وجود ندارد و نسبت به زید اثری ندارد.

ب. تکلیف فعلی: حکم ظاهری در جایی جریان دارد که تکلیف فعلی باشد. به عنوان مثال اگر شکّ در حرمت یا حلیت خرگوش شود، قاعده طهارت حکم به طهارت آن ندارد؛ بلکه اگر یک خرگوش در مقابل زید باشد، قاعده طهارت نسبت به وی جریان می‌یابد. بنابراین به عدد خرگوشهای موجود، قاعده طهارت وجود دارد (حتی در شبهه حکمیه نیز باید تکلیف فعلی باشد تا حکم ظاهری جاری شود، و تفاوت شبهه حکمیه و موضوعیه در منشأ شکّ است).

ج. شکّ در تکلیف و عدم تکلیف: مکلف نسبت به تکلیف فعلی سه حالت دارد: قطع به تکلیف فعلی؛ قطع به عدم تکلیف فعلی؛ عدم قطع به آن دو؛ حکم ظاهری فقط در جایی است که قطعی به تکلیف یا به عدم تکلیف نباشد. پس اگر قطع به حرمت این مایع باشد هرچند واقعاً طاهر باشد، حکم ظاهری نسبت به آن وجود ندارد. البته اگر قطع مصیب نبوده و حکم ظاهری نباشد، تکلیف توهمی وجود دارد. به هر حال، حکم ظاهری در جایی است که مکلف قاطع نباشد و تفاوتی نیست که ظان یا شاکّ یا متوهم باشد.

در نظر مختار نیز احتمال تکلیف منجز است هرچند احتمال وهمی یا ظنی یا شکّی یا اطمینانی باشد. یعنی اگر یک هزارم احتمال نجاست این مایع داده شود، و در واقع نجس باشد، همین احتمال اندک موجب تنجیز تکلیف فعلی است. منجزیت احتمال به نحو تعلیقی است، یعنی معلق بر عدم ترخیص مولى در مخالفت تکلیف احتمالی است.

مقدمه سوم: حقیقت حکم ظاهری

در حقیقت حکم ظاهری اختلافاتی وجود دارد که در بحث اصولی عملیه به شکل مبسوط مطرح می‌شود. در این بحث به نحو اجمالی اشاره به مبنای مختار می‌شود.

به نظر می‌رسد تنها یک حکم ظاهری وجود دارد و تفاوتی بین امارات و اصول عملیه (برائت و احتیاط و استصحاب و قاعده فراغ و مانند آنها) وجود ندارد. پس یک حکم ظاهری وجود دارد که از سنخ حکم تکلیفی است. حکم ظاهری عبارت از «ترخیص مولی در مخالفت تکلیف احتمالی» است. توضیح اینکه تمامی امارات و اصول عملیه در اصطلاح فقهاء «منجز» یا «مؤمن» می‌باشند، و قسم دیگری نیست. «منجز» مانند اینکه استصحاب یا خبر ثقه دلالت بر نجاست این آب نماید، که مشهور در این مورد وجوب احتیاط را مجعول می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد وجوب احتیاط مجعول نبوده بلکه شارع ترخیص جعل نکرده و از عدم جعل ترخیص مولی در تکلیف احتمالی، «احتیاط» انتزاع می‌شود. پس احتیاط امری واقعی و انتزاعی بوده و مجعول نیست. «مؤمن» یا «معدّر» مانند اینکه خبر ثقه بر طهارت آب قائم شود یا استصحاب دلالت بر طهارت نموده، در حالیکه احتمال نجاست هست. در این موارد شارع ترخیص در مخالفت با تکلیف احتمالی جعل نموده است.

جمع‌بندی: عدم تنافی بین حکم واقعی و ظاهری

فرض شود این آب در واقع نجس بوده و خبر ثقه یا بیّنه دلالت بر طهارت آن نماید. زید نیز قطع به نجاست یا طهارت نداشته، و احتمال نجاست دهد. در این صورت، بنابر اشتراک احکام بین عالم و جاهل، خداوند متعال از زید نیز طلب انشائی دارد که شرب آن آب را ترک کند، و یا ردع از شرب مایع نموده است. این تکلیف واقعی است که مشترک بین زید جاهل و عمرو عالم به نجاست است. در این موارد، حکم ظاهری ترخیص فقط نسبت به زید جعل شده است و نسبت به عمرو عالم جعل نشده است. یعنی شارع نسبت به زید ردع واقعی نموده است، اما ترخیص در مخالفت این ردع و تکلیف فعلی را نیز داده است (نه ترخیص در شرب مایع). ترخیص در مخالفت نه تنها معاند و مضاد با ردع و طلب ترک نیست، بلکه باید طلبی باشد تا ترخیص در مخالفت آن داده شود. اثر اذن در مخالفت این است که اگر مخالفت بدون اذن باشد، قبیح است؛ اما با اذن واقعاً قبیح نیست لذا استحقاق عقوبت نیست. نظیر اینکه کسی پایش را جلوی دیگری دراز نماید، که هتک و اهانت است؛ اما اگر شخص اذن دهد موضوع اهانت کنار می‌رود (نه اینکه اذن در اهانت باشد).

در تمام مواردی که احتمال تکلیف فعلی وجود دارد، شارع دو موقف ممکن است داشته باشد: ترخیص دهد یا ترخیص ندهد؛ لسان شارع نیز تفاوتی ندارد، چه به لسان اصل عملی باشد چه به لسان اماره باشد و مانند آن. در هر صورت تضادی بین حکم واقعی و ظاهری وجود ندارد؛ زیرا حکم ظاهری همان ترخیص در مخالفت با حکم واقعی است. علاوه بر آن، نقض غرض نیز لازم نمی‌آید؛ زیرا دلیل ردع شارع از شرب این مایع، وجود مفسده در شرب است. ترخیص در مخالفت نیز دارای مصلحت است. شارع هر دو حکم را جعل نموده تا برخی از مفسده شرب دور مانده و اجتناب کنند (یعنی شخص عالم به حرمت)؛ و

برخی به مصلحت ترخیص برسند (یعنی شخص جاهل به حرمت). پس در تمام موارد شک، طلب انشائی فعلی بوده و فقط نسبت به برخی از مکلفین ترخیص در مخالفت تکلیف احتمالی داده شده است.